

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

عبدالله باوی

۱۸ اپریل ۲۰۱۵

دوازده فروردین [حمل]،

سالروز تأسیس جمهوری دار و شکنجه !

رژیم جمهوری اسلامی که خلاف همه تبلیغات گسترده امپریالیست‌ها، نه محصول انقلاب بلکه محصول شکست انقلاب بود، برای مشروعیت بخشیدن به این دستبرد سیاسی به قدرت، فروردین ۱۲ (۱۳۵۸) را به راه انداخت. در این فروردین که توسط به قدرت خزیدگان فریبکار برگزار شد، فقط یک سوال طرح شده بود. از شرکت کنندگان پرسیده می شد که "جمهوری اسلامی، آری یا نه"، و بدین ترتیب سردمداران جمهوری اسلامی با گرفتن حق انتخاب از توده‌ها، دیکتاتوری خونین خود را شروع کردند.

آخوند خمینی، به عنوان یکی از اولین تجربه امپریالیست‌ها در به قدرت رساندن بنیاد گراهای اسلامی در خاورمیانه، ماه‌ها قبل از آن، این اطمینان خاطر را به آن‌ها داده بود که منافع آن‌ها، منافع اوست و دفاع از مناسبات سرمایه‌داری و سرمایه‌داران را دفاع از منافع خود می‌دید و برای این دفاع، حفظ ارتش را متعهد می‌شد. او هم چنین سرکوب کمونیست‌ها و آزادیخواهان را متعهد شده و برای نشان دادن صداقت خود در این تعهد، تاریخ دشمنی خود را با کمونیسم و کمونیست‌ها نشان می‌داد. به همین دلیل هم توسط امپریالیست‌ها به عنوان بهترین آلترناتیو انتخاب شده و بدین ترتیب با تبلیغات گسترده به قدرت دست یافت و او نیز با فریبکاری و توسل به فروردین، این را تبلیغ کرد که رژیم او توسط توده‌ها پذیرفته شده است و این چنین پس از به دست گرفتن کامل قدرت، همه مرتجعین رنگارنگ را همچون خلخال‌ها، موسوی‌ها، رفسنجانی‌ها، خامنه‌ای‌ها و ... به دور خود جمع کرده و دستان آن‌ها را در ریختن خون انسان‌ترین انسان‌ها از زن و مرد و جوان و پیر و کودک باز گذاشت و بدین ترتیب در حفظ روابط سیاسی و اقتصادی سابق در جامعه تحت سلطه ایران یعنی نظام سرمایه داری، با جان و دل کوشید. نظامی که دیکتاتوری جزء لاینفک آن بوده و تجربه جمهوری اسلامی نیز این واقعیت را بار دیگر به اثبات رساند.

آخوند خمینی که در پایان فروردین گفته بود "این جمهوری اسلامی است که احکام مترقی او بر تمام احکامی که در سایر قشر‌ها و سایر مکتب‌هاست تقدم دارد"، حال با دست باز امکان یافته بود که معنای این تقدم را به همگان نشان دهد. او و مرتجعین پیرامونش می‌دانستند که در زمانی که توده‌ها با جانفشانی و از خودگذشتگی فراوان رژیم شاه را ساقط کرده و هنوز در التهاب تغییرات پایمئی بودند، تثبیت دیکتاتوری مستلزم تدارکی طولانی است. به

همین دلیل هم در ابتداء سرکوب را منطقه به منطقه پیش بردند و سپس از جنگ با عراق حداکثر استفاده را در این رابطه نمودند. آن گاه در سال ۶۰ با یورش سراسری به سازمان های سیاسی و مبارزات مردمی و نمایش اعدام های وحشیانه ، روزانه تلاش کردند فضای رعب و وحشت مورد نیازشان را برقرار کنند. بعد از آن ، اعدام های تابستان ۶۷ را به راه انداختند، خاوران ها ساختند، خلق ها را سرکوب کردند، سازمان های سیاسی را نابود کردند و هرچه بیشتر زحمتکشان را به فقر کشانند، قوانینی بس ظالمانه علیه کارگران تصویب کردند، زندان ها را پر کردند و میلیون ها انسان را از سرزمین شان راندند و بدین ترتیب این رژیم حافظ مناسبات سرمایه، این چنین با جنایت علیه توده ها این تقدم را نشان داد.

این همه جنایت، برای حفظ نظام ظالمانه حاکم بود ولی حفظ آن نیز استبداد مطلق العنان می طلبید که رژیم جمهوری اسلامی در برقراری این استبداد از هیچ ظلمی دریغ نکرده و نمی کند، زنان و یا نیمی از جامعه را در چهار دیواری خانه اسیر کردند، هر کلامی که کوچکترین اشاره ای به آزادی داشته باشد سرکوب کرده و در کل توده ها و زحمتکشان را در شرایطی بس ظالمانه نگه داشته اند تا چپاولگران و غارتگران داخلی و خارجی آزادانه آن ها را استثمار نموده و شیرۀ جان شان را بکشند و شرایطی ایجاد کنند تا هر امیدی به زندگی و تغییر ناممکن جلوه کند.

این رژیم با همه توحش و سبعتش که همراه با سرکوب بی امان هر اعتراض مردمی بود، هرگز از فریبکاری و تهاجم فکری باز نماند. روشنفکران خود فروخته و فرصت طلبان بی مایه را به خدمت گرفت تا توده ها ، گذشته را مردود شمرده و آن را از یاد ببرند. سعی می کنند با تحریف و دروغ ، زحمتکشان را قانع سازند که خیال انقلاب را به خود راه ندهند ، زیرا این رژیم "اصلاح" پذیر است ، تا جنگ طبقاتی فراموش شود. تا همه فراموش کنند که سبب این جنگ طبقاتی، استثمار و آن هم از نوع وحشیانه و بیشرمانۀ آن است، تا توده ها را به تحمل یک زندگی پر از رنج و مشقت وا دارند. ولی انزجار عمیق توده ها از این مرتجعین که زندگی را بر آن ها سخت کرده و هر دم ، آن ها را بیشتر به ورطۀ فقر و گرسنگی می کشاند به این رژیم فهمانده است که هیچ ماشین سرکوبی نمی تواند حرکت تاریخ را نگه دارد. توده ها و زحمتکشان به یاد دارند که چگونه توانستند رژیم شاه را ساقط نمایند و بدین گونه آن ها به اوضاع می نگرند. برای توده ها مبارزات دورۀ انقلاب ۵۷ ، سرمشقی است از آن چه که باید بشود. یعنی سرنگونی تمامیت رژیم حاکم برای رسیدن به آزادی های دموکراتیک و استقلال ملی و عدالت اجتماعی. آن ها هر روز برای آن مبارزه می کنند. واقعیت این است که مبارزات زحمتکشان از عمق شرایط زندگی شان نشأت می گیرد ، یک زندگی همراه با ستم اقتصادی که به طور اجتناب ناپذیری همه نوع ستم سیاسی و تحقیر اجتماعی را تولید نموده و موجب مبارزات آن ها شده و می شود.

فرانودم ۱۲ فروردین ۵۸ آغاز رسمی تاریخ خونبار رژیمی است که با جنایات خود، این تجربه را دوباره به توده ها داد که تا سرمایه داران حاکم هستند و تا رژیم های حامی آن ها بر سر قدرتند ، زحمتکشان هرگز به آزادی دست نخواهند یافت.

مرگ بر جمهوری اسلامی با همه جناح هایش

اپریل ۲۰۱۵